

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»
فرانکفورت - می ۲۰۰۳

تند و تیز

شد ایامی که با من یار تند و تیز می گوید
به جام دیگران از باده سرشار می ریزد
به بزم وصل او ، جرم و گناه خود نمی دانم
طبيب از درد من می پرسد و تنها دواى من
شبی گرم از حضور یار و مطرب بانواى خوش
به پا زنجیر زلف افکنده اى ، اما دو ابرویت
چو کوهی استوار استاده ام از جا نخواهم رفت
به رخس دلبری آن شهسوار ناز می آید
فریب گرمجوشیهای بی دردان مخور اى دل
چو اشک بر سر مژگان بود این فرصت هستی

سخن می گوید ، اما سخت قهرآمیز می گوید
مرا می بیند و فرمان خورش ریز می گوید
که جا ناکرده گرم ، آن سیمبر برخیز می گوید
ز عشق یار کز وی زنده ام ، پرهیز می گوید
چه دردآمیز میخواند ، چه شورانگیز می گوید
ز مژگان تیر بر می دارد و بگریز می گوید
اگر چه مژه ات از تیر و تیغ تیز می گوید
که از فتراک میخواند ، که از مهمیز می گوید
که هر کس مدعائی دارد و هر چیز می گوید
اجل هر لحظه ام از نوک مژگان ریز می گوید

نه تنها من ز وصف کابل زیبا سخن گویم

«اسیر» این گفته را هم صائب تبریز می گوید